

نگاهی به دغدغه‌ای که درباره آینده جمعیتی کشور وجود دارد

ایران دارد پیر می‌شود!

«پیر شدن جمعیت کشور» موضوعی است که این روزها بسیار مورد توجه قرار گرفته و هشدارهای بسیاری در این باره از سوی صاحب‌نظران و مسوولان داده می‌شود؛ اما باید دانست که این موضوع نه فقط مختص کشور ماست و نه موضوعی سیاسی است. کاهش رشد جمعیت به نحوی که باعث پیر شدن جمعیت طی دهه‌های آینده می‌شود موضوعی است که می‌تواند برای نسل‌های بعدی کشور مشکلات و معضلات فراوانی پدید آورد. نگرانی درباره پیر شدن جمعیت جهان در حدی است که چندی پیش سازمان ملل متحد در گزارشی نسبت به این موضوع هشدار داد و از سران کشورها خواست برای مشکل پیر شدن جمعیت جهان، چاره‌ای بیندیشند.

در ایران، افزایش بی‌رویه جمعیت در سال‌های اولیه پس از انقلاب، باعث شد که در سال‌های پس از جنگ، مشکلات بسیاری در این خصوص برای کشور به وجود آید: نسل دهه ۶۰ زمانی که به سن مدرسه رفتن رسیدند، کمبود مدارس در کشور مشاهده شد و اغلب این بچه‌ها در مدارس دو یا سه شیفته و در کلاس‌های ۴۰ نفره درس خواندند، وقتی این نسل به کنکور رسید، بحران کنکور به وجود آمد، افزایش بیکاری، معضل مسکن و... همه در ادامه این وضعیت شکل گرفت. از آنجایی که در سال‌های پس از جنگ، کارشناسان و مسوولان عواقب رشد بی‌رویه جمعیت را پیش‌بینی می‌کردند، برنامه تنظیم خانواده در دستور کار قرار گرفت و در این زمینه شروع به فرهنگ‌سازی شد؛ اما اینک بعد از بیست سال، جامعه ایران با مشکل دیگری روبرو شده که ناشی از کاهش بیش از حد رشد جمعیت است. امروز به دلایل مختلف اجتماعی، فرهنگی و اجتماعی، خانواده‌های شهری تمایل چندانی به داشتن فرزند ندارند و خانواده‌های بسیاری به داشتن یک فرزند کفایت می‌کنند. حتی بعضی از زوجها چندان تمایلی به داشتن فرزند ندارند، و همین موضوع باعث شده که دغدغه پیر شدن جمعیت در آینده‌ای نه چندان دور و عواقب ناشی از آن شکل بگیرد.

در واقع باید گفت که جامعه ایران طی سه دهه اخیر، در زمینه تنظیم خانواده شاهد دو رویکرد متفاوت افراطی و تفریطی از سوی عموم خانواده‌ها روبرو بوده‌اند: در سال‌های دهه ۶۰ افزایش بی‌رویه زاد و ولد و در سال‌های اخیر کاهش بی‌رویه آن. شاید حالا با توجه به این موضوع عموم دست‌اندرکاران و مسوولان متوجه این امر شده‌اند که باید شرایطی فراهم شود که رشد جمعیت در سطحی مقبول و متعادل قرار گیرد و توجه به این موضوع، باید در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری کلان همواره مورد لحاظ قرار گیرد.

بازخوانی شرایطی که منجر به اتخاذ برنامه تنظیم خانواده در کشور شد، چگونگی فرهنگ‌سازی در این زمینه، بررسی اینکه جمعیت ایران در چه شرایطی است و چه خطراتی آینده اجتماعی ایران را نشانه رفته است، اینکه اصلاً پیر شدن جمعیت به چه معنایی است و چرا در ایران و دیگر کشورها شکل گرفته است و... می‌تواند هم باعث آشنایی بیشتر مردم با این مباحث و توجه عمومی به لزوم افزایش رشد جمعیت شود، و هم راه پیشروی مسوولان را در این زمینه نشان دهد.

کنترل جمعیت در ایران از آغاز تا کنون

ایران چگونه سریع‌ترین نرخ کاهش جمعیت تاریخ بشر را به دست آورد؟

بحث کنترل جمعیت از طریق «تنظیم خانواده» پس از پیروزی انقلاب از این جهت مورد توجه واقع شد و اهمیت ویژه‌ای یافت که جمعیت کشور طی دهه ۶۰ تا اوایل دهه ۷۰ سیر صعودی به صورت جهشی را طی کرد و با این پیش‌بینی که دهه ۸۰ دهه زناشویی و باروری این جوانان خواهد بود، دولتمردان در دهه ۷۰ به طور جدی به سیاست‌های کنترل جمعیت روی آورده‌اند. برنامه‌ریزی و فرهنگ‌سازی در این زمینه به گونه‌ای بود که اینک به نظر می‌رسد «تنظیم خانواده» به یک ارزش فرهنگی بدل شده و نگاه افراد به خانواده‌هایی که دارای فرزندان متعدد هستند نگاهی همراه با قضاوت منفی شده است!

برنامه‌های تنظیم خانواده در مفهوم اخص در سطح جهانی قدمتی ۵۰ ساله دارد و

حدود ۸۵ درصد از کشورهای جهان سوم و قریب ۹۵ درصد از جمعیت آنها، از خدمات تنظیم خانواده حمایت می‌کنند. در واقع در جوامع صنعتی صددرصد زنان واجد شرایط، از برنامه تنظیم خانواده پیروی می‌کنند و می‌توان این برنامه را یکی از مظاهر تمدن صنعتی دانست.

در ایران نیز کنترل جمعیت و تنظیم خانواده در سال‌های قبل از انقلاب و با حرکت ایران به سمت صنعتی شدن، به صورت پراکنده در سال ۱۳۳۷ شروع شد و از سال ۱۳۴۸ این کار به صورتی متمرکز ادامه یافت. سال ۱۳۴۶ در وزارت بهداشتی «واحد بهداشت و تنظیم خانواده» استقرار یافت تا جمعیت را کنترل کند. در سال‌های بعد واحد مزبور به نام «واحد جمعیت و تنظیم خانواده» معروف شد.

پس از اجرای برنامه‌های تجربی محدود و پراکنده از جانب مراجع مختلف، در عرض چند سال، این واحد تحت عنوان «سازمان تنظیم خانواده» شهرت یافت و به این طریق، ایران به جمع کشورهای عامل به تحدید موالید پیوست.

در آن زمان نرخ رشد به طور متوسط سالانه ۳/۱ درصد بود که با اجرای سیاست‌های «فرزند کمتر، زندگی بهتر» در دهه ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ فقط با اندکی کاهش به ۲/۷ درصد رسید، اما پس از پیروزی انقلاب این سیاست‌ها از سوی برخی دست‌اندرکاران به دلایل مختلف تعطیل شد. جنگ تحمیلی و میل روانی به داشتن فرزند بیشتر در زمان جنگ نیز در این خصوص بی‌تاثیر نبود.

مرحله دوم سیاست‌های تحدید موالید و برنامه‌های تنظیم خانواده در ایران، از سال ۱۳۶۸ (پس از جنگ تحمیلی ایران و عراق) اتخاذ و به اجرا گذاشته شد. هنگامی که در سال ۱۳۶۷ نتایج سرشماری منتشر و میزان رشد جمعیت در سال‌های بین سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ به طور کلی ۳/۹ درصد و بدون احتساب معاودین عراقی و پناهندگی افغانی ۳/۵۵ درصد (و شاید به طور دقیق‌تر ۳/۲ درصد) اعلام شد، خطر افزایش انفجاری جمعیت، متفکرین جامعه و در رأس آن، دولت را به فکر اتخاذ سیاستی رسمی مبنی بر کاهش موالید انداخت.

در شهریور ماه سال ۱۳۶۷ و پس از پایان جنگ، سازمان برنامه و بودجه وقت، سمیناری در مشهد برگزار کرد و از تمام سیاستگذاران و ۴۸ دستگاه مرتبط دعوت شد در این سمینار شرکت کنند. در قطعنامه پایانی سمینار، مخاطرات ناشی از تداوم نرخ رشد طبیعی جمعیت ذکر شد؛ علاوه بر آن که به دولت وقت هشدار داده شد در صورت ادامه وضعیت فعلی نرخ بیکاری به ۲۴ درصد افزایش خواهد یافت، آن هم در شرایطی که جمعیت کشور ۵۴ میلیون نفر بود.

وضعیت ناشی از فرسایش جنگل‌ها و مراتع و تخریب منابع طبیعی نیز ترسیم شد. امام خمینی(ره) نیز در تاریخ ۱۰ آبان ماه همان سال جلوگیری از موالید در صورت ضرورت یا تعیین فواصل در موالید را به عنوان یکی از مسائل مستحدثه که حوزه علمیه باید به آن پردازد، مورد تایید قرار دادند البته همچنان مخالفت‌هایی وجود داشت، اما سرانجام در تاریخ ۸ اسفند سال ۱۳۶۷ و یک ماه پیش از آن که برنامه توسعه کشور در دستور کار مجلس قرار گیرد، این سیاست‌ها به هیات دولت ارائه شد.

در این سیاست تعدیل موالید تا سقف ۳ فرزند به عنوان حد متناسب میانگین کودکان هر خانواده ایرانی و تضمین‌کننده ضریب جانشینی و تجدید نسل جمعیت ایران به عنوان هدف اصلی منظور شده بود و اقداماتی چون توسعه انسانی، گسترش مشارکت‌ها به ویژه مشارکت‌های اقتصادی زنان، کاهش مرگ و میر اطفال، کودکان و مادران، بالا بردن سطح آگاهی‌های اجتماعی به کمک مراجع تقلید و رسانه‌های عمومی و همگانی به عنوان عوامل پشتیبانی و تسهیل‌کننده پیشبرد این هدف در متن راهکارهای سیاستی گنجانده شد.

فاصله‌گذاری بین زایمان‌ها از طریق گسترش دسترسی به وسایل مدرن پیشگیری از باروری‌های ناخواسته، وازکتومی (عقیم شدن) داوطلبانه برای مردان متقاضی و حذف کلیه سیاست‌های تشویقی ۳ اولاد به بالا به عنوان اساس فعالیت‌های اجرایی مدنظر قرار گرفت.

در سال ۱۳۶۸ این سیاست رسمی، تحت عنوان «تنظیم خانواده» اتخاذ شد و اجرای آن به وزارتخانه‌های بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، فرهنگ و آموزش عالی،

آموزش و پرورش و سازمان‌های ذی‌ربط دیگر واگذار شد.

در سال ۱۳۶۹ شورایی به نام «شورای تحدید موالید» با تصویب دولت و به ریاست وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تشکیل شد و در سال ۱۳۷۰ با ایجاد «اداره کل جمعیت و تنظیم خانواده» برنامه‌های جمعیتی گسترش یافت و در تاریخ ۲۶ اردیبهشت ۱۳۷۲ قانون تنظیم خانواده مشتمل بر ۴ ماده و ۲ تبصره در مجلس شورای اسلامی تصویب شد و در تاریخ دوم خرداد ۱۳۷۲ به تایید شورای نگهبان رسید. براساس این قانون کلیه امتیازات متعلق به فرزندان بالاتر از رده سه، حذف و محدودیت‌هایی برای کثرت اولاد در نظر گرفته شد.

در طی سال‌های پس از اتخاذ این سیاست، همانطور که بیان شد، این موضوع به عنوان یک «فرهنگ مسلط» پذیرفته شد. در سال ۸۰ نرخ باروری در کشور به دو تولد به ازای هر زن رسید که این میزان تولد توان لازم برای جایگزینی جمعیت را نداشت، بنابراین نرخ رشد جمعیت با کاهش روبه‌رو شد و نهایت اینکه نرخ رشد جمعیت کشور در سال ۱۳۹۰ به ۱/۳ رسید که نشان می‌داد که رشد جمعیت کشور از کاهش جدی و سریعی برخوردار بوده است. به این ترتیب بود که اولین هشدارها در این خصوص شنیده شد که اگر این روند به همین شکل پیش رود ممکن است رشد جمعیت کشور منفی شود! نتایج سرشماری سال ۹۰ نخستین خبرهای کاهش رشد جمعیت را دربرداشت، این آمارها نشان می‌داد رشد جمعیت کشور ۱/۲۹ است درحالی‌که در سال ۸۵ این عدد ۱/۶ بوده. به تعبیری رشد جمعیت کشور در طول یک بازه زمانی پنج ساله بیش از سه دهم درصد کاهش پیدا کرده است و این نشان می‌دهد که رشد جمعیت با کاهش شدیدی روبه‌رو شده است. گزارش مؤسسه اینترپرایز آمریکا در سال ۱۳۹۰ هم نشان می‌داد که باروری در ایران به شکل حیرت‌آوری در طول ۳۰ سال گذشته ۷۰ درصد کاهش داشته است و یکی از سریع‌ترین افت باروری‌هایی که تاکنون در تاریخ بشر ثبت شده متعلق به ایران است. بر اساس آمار نرخ باروری کشور به ازای هر زن ۱/۷ بود یعنی به‌طور متوسط هر زن در طول زندگی‌اش کمتر از دو فرزند به دنیا می‌آورد. آمارها همچنین نشان می‌داد که میانگین نرخ ثبت ولادت در کشور ۱۸/۵ در هزار و میانگین نرخ ثبت فوت ۵/۶ در

هزار است. همین نکته عکس‌العمل دستگاه‌های دولتی را به‌دنبال داشت. با این آهنگ رشد حداکثر جمعیت ایران در سال ۱۴۱۵ به ۸۵ میلیون نفر می‌رسد و بعد از آن شاهد کاهش جمعیت خواهیم بود.

پیش‌بینی‌های بخش جمعیت سازمان ملل درباره پیر شدن جمعیت

خطری که آینده جهان را تهدید می‌کند

پیری جمعیت پروسه‌ای است که در تمام کشورهای جهان اتفاق می‌افتد. سه عامل اساسی در این روند به ایفای نقش می‌پردازند:

افزایش طول عمر: در بیشتر نقاط جهان، مردم اکنون بیش از دهه‌های پیش زندگی می‌کنند. اگر جهان را به عنوان مجموعه‌ای واحد در نظر بگیریم، امید به زندگی از دهه ۱۹۵۰ به این سو حدود ۲۰ سال افزایش یافته است (از ۴۸ سال در ۵۵-۱۹۵۰ به ۶۸ سال در ۱۰-۲۰۰۵ رسیده است). سازمان ملل قصد دارد در طول نیمه اول قرن ۲۱ با اجرای برنامه‌های جمعیتی، امید به زندگی را در جهان به ۷۶ سال افزایش دهد.

کاهش باروری: امروزه نرخ باروری در جهان از ۵ کودک برای هر زن در سال ۱۹۵۰ به حدود ۲/۵ کودک کاهش یافته و پیش‌بینی شده که این نرخ در سال ۲۰۵۰ میلادی به ۲/۲ کودک برای هر زن برسد. طبیعتاً با کاهش میزان زاد و ولد در میان خانواده‌ها، سهم سالخوردگان از جمعیت نیز افزایش می‌یابد.

افزایش سن افراد متولد شده در دوره رشد سریع جمعیت: افزایش سن گروه‌های بزرگ کودکانی که پس از جنگ جهانی دوم در آمریکا و دیگر نقاط دنیا متولد شده‌اند موجب افزایش سهم سالخوردگان در جوامع امروزی شده است. براساس پیش‌بینی‌های بخش جمعیت سازمان ملل، تعداد افراد بالای ۶۰ سال جهان از ۸۰۰ میلیون نفر فعلی (که ۱۱ درصد جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند) به بیش از ۲ میلیارد نفر در سال ۲۰۵۰ خواهد رسید (یعنی ۲۲ درصد جمعیت جهان). همچنین پیش‌بینی شده که جمعیت جهان در فاصله سال‌های ۱۹۵۰ تا ۲۰۵۰، ۳/۷ برابر شود، اما تعداد افراد ۶۰ سال به بالا در طی این مدت حدود ۱۰ برابر خواهد شد. در این میان

ضریب افزایش جمعیت افراد خیلی سالخورده، یعنی افراد ۸۰ سال به بالا، ۲۶ درصد خواهد بود.

اما در کنار این افزایش درصد سالخوردگان از جمعیت جهان، روند برجسته دیگری را نیز می‌توان مشاهده کرد: «کاهش بیماری‌ها». پیشرفت علم پزشکی در مبارزه با مشکلات ناشی از سالخوردگی و شیوه زندگی سالم‌تر، نه تنها موجب افزایش طول عمر شده، بلکه شاخص‌های سلامت را در میان افراد پیر جامعه بهبود بخشیده است. در نتیجه، طول سال‌های ناخوشی در چرخه زندگی افراد کوتاه‌تر شده است. بنابراین، علاوه بر اینکه طول عمر افراد بیشتر شده، مدت زمانی که افراد می‌توانند در جامعه به کار و تلاش پردازند نیز طولانی‌تر شده است.

هرچند افزایش سن جمعیت هم در کشورهای توسعه‌یافته و هم در کشورهای در حال توسعه پدیده‌ای مشترک بوده است، اما آمارها نشان می‌دهد که ۱۰ کشوری که در سال ۲۰۱۱ بیشترین درصد سالخوردگان بالای ۶۰ سال را در ترکیب جمعیتی خود داشته‌اند، کشورهای توسعه‌یافته (و یا کشورهای در حال گذار نظیر بلغارستان و کرواسی) بوده‌اند. اما این روند تا سال ۲۰۵۰ تغییر خواهد کرد، به طوری که احتمالاً کشورهایی چون کوبا نیز به این لیست اضافه خواهند شد و کشورهایی چون فنلاند و سوئد دیگر در زمره این کشورها قرار نخواهند داشت.

براساس گزارش سازمان ملل در سال ۲۰۱۱ ژاپن در میان کشورهای جهان بالاترین درصد افراد بالای ۶۰ سال را دارا بوده است. ۳۱ درصد جمعیت این کشور در سال ۲۰۱۱ بالای ۶۰ سال سن داشته‌اند. پس از این کشور ایتالیا با ۲۷ درصد، آلمان با ۲۶ درصد، فنلاند با ۲۵ درصد، سوئد با ۲۵ درصد، بلغارستان با ۲۵ درصد، یونان با ۲۵ درصد، پرتغال با ۲۴ درصد، بلژیک با ۲۴ درصد و کرواسی با ۲۴ درصد به ترتیب رتبه‌های دوم تا دهم را از این نظر به خود اختصاص داده‌اند.

براساس پیش‌بینی سازمان ملل این رده بندی تا سال ۲۰۵۰ دچار تغییراتی می‌شود. ژاپن رتبه خود را حفظ می‌کند و درصد افراد بالای ۶۰ سال در این کشور به ۴۲ درصد می‌رسد. پرتغال با ۴۰ درصد در رتبه دوم و بوسنی با ۴۰ درصد در رتبه سوم قرار

خواهد گرفت. کشورهای کوبا ۳۹ درصد، کره جنوبی با ۳۹ درصد، ایتالیا با ۳۸ درصد، اسپانیا با ۳۸ درصد، سنگاپور با ۳۸ درصد، آلمان با ۳۸ درصد و سوئیس با ۳۷ درصد در رتبه‌های بعدی قرار خواهند گرفت.

سازمان ملل همچنین ۱۰ کشوری را معرفی کرده است که تا سال ۲۰۵۰ بیشترین سرعت حرکت به سمت پیر شدن را خواهند داشت که همه کشورهای در حال توسعه هستند. جمعیت افراد بالای ۶۰ سال در امارات با رشد ۳۵ درصدی نسبت به سال ۲۰۱۱ مواجه می‌شود و درصد افراد بالای ۶۰ سال در این کشور به ۳۶ درصد می‌رسد. امارات از نظر سرعت پیر شدن در جهان رتبه نخست جهان را به خود اختصاص خواهد داد. پس از این کشور، بحرین با رشد ۲۹ درصدی جمعیت بالای ۶۰ سال خود رتبه دوم را به خود اختصاص خواهد داد و ایران نیز در رتبه سوم جهان از نظر سرعت پیر شدن جمعیت پیش‌بینی شده است. میزان افزایش جمعیت بالای ۶۰ سال ایران از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۵۰ بالغ بر ۲۶ درصد پیش‌بینی شده است و انتظار می‌رود در سال ۲۰۵۰ حدود ۳۳ درصد جمعیت ایران بالای ۶۰ سال باشد. کشورهای عمان، سنگاپور، کره جنوبی، ویتنام، کوبا، چین و ترینیداد و توباگو نیز از نظر سرعت پیر شدن در رتبه‌های چهارم تا دهم قرار گرفته‌اند.

پیری جمعیت، چالش‌های زیادی را فراروی جوامع انسانی قرار می‌دهد و نگرانی‌های بسیاری را در مورد حرکت به سوی رشد اقتصادی، هزینه‌های سیستم‌های بهداشت و درمان و همچنین سیستم‌های پرداخت حقوق بازنشستگی و تامین رفاه سالخوردگان به همراه دارد.

توسعه اقتصادی هر کشور به میزان زیادی به کمیت و کیفیت نیروی کار آن کشور وابسته است. زمانی که افراد پنجمین دهه از زندگی خود را پشت سر می‌گذارند، احتمال مشارکت آنها در کار و فعالیت اجتماعی کاهش می‌یابد. همچنین با توجه به اینکه افراد سالخورده به میزان زیادی از پس‌اندازها و اندوخته‌های خود برای گذران بقیه سال‌های زندگی شان استفاده می‌کنند، این مسئله می‌تواند موجب کاهش ذخیره دارایی‌ها در بین افراد یک جامعه شود. دو عامل کاهش نیروی کار و کم شدن

میزان تمایل افراد به پس انداز، منجر به بروز نگرانی‌هایی می‌شود که کشورهای دارای جمعیت سالخورده اکنون با آن مواجه‌اند. مهمترین تبعات این موضوع را می‌توان در تنزل و کاهش رشد اقتصادی مشاهده کرد.

پیری جمعیت زنگ خطر را برای ظهور یک چالش خطرناک دیگر به صدا در می‌آورد: گسترش موج بیماری‌های غیر واگیردار. همچنین در دهه‌های اخیر، بیشترین توجهات معطوف تاثیر احتمالی پیری جمعیت بر قیمت دارایی‌ها بوده است. به خصوص این نگرانی وجود داشته که قیمت دارایی‌ها با توجه به اینکه سالخوردگان اقدام به فروش دارایی‌های خود می‌کنند! پیری جمعیت تاثیرات گوناگونی بر انواع مختلف سیستم‌های پرداخت مستمری دارد. سیستم‌هایی که مالیات پرداختی توسط دولت به نظام تامین اجتماعی در هر سال به بازنشستگان در همان سال پرداخت می‌شود، با چالش‌های جدی مواجه شده‌اند، زیرا تعداد ذینفعان افزوده می‌شود، در حالی که تعداد مشارکت‌کنندگان کاهش می‌یابد.

مردم سالاری ۱۳/۰۸/۱۳۹۲